

نقش تزیینات در بازیابی هویت ایرانی- اسلامی در جداره‌های شهری، مورد مطالعاتی: راسته تاریخی بالا و پایین خیابان شهر مشهد

مریم طلائی^۱ - مجتبی انصاری^{۲*} - فاطمه درج‌ور^۳

۱. پژوهشگر دکتری معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
۲. دانشیار گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
۳. مربی گروه هنر، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد آزادشهر، گلستان، ایران.

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۶/۲۲ تاریخ اصلاحات: ۹۶/۰۹/۱۹ تاریخ پذیرش نهایی: ۹۷/۰۲/۱۱ تاریخ انتشار: ۹۸/۱۲/۲۹

چکیده

در ایران به دلیل تقابلی که در دهه‌های اخیر بین سنت‌های ایرانی، فرهنگ اسلامی و مدرنیته شدن پدید آمد همواره این پرسش مطرح بوده است که جایگاه فرهنگ بومی و ارزش‌های دینی ما کجاست و معماری و شهرسازی که مصداق بارز تجلی این ارزش‌ها هستند چگونه باید عمل کنند؟ در این بین نقش نماهای شهری به‌عنوان بخشی از منظر شهری که منتقل‌کننده مفاهیم فرهنگی و تحکیم هویت شهری می‌باشند و نیز تزیینات اسلامی که در گذشته جزئی جدایی‌ناپذیر از کالبد شهر و معماری بوده است، بسیار حائز اهمیت است. این جستار بر آن است تا با روش تحقیق توصیفی-تحلیلی، بر اساس مطالعات میدانی به صورت مشاهده مستقیم و حضور نگارندگان در بالا و پایین خیابان و مبتنی بر مطالعات اسنادی و مرور متون و منابع تاریخی و تجارب و تحلیل آن‌ها، به بررسی جایگاه تزیینات اسلامی در نماهای شهری با استفاده از روش تطبیقی-مقایسه‌ای بپردازد و نقش آن‌ها را در تقویت هویت ایرانی-اسلامی مورد مذاقه قرار دهد. در این بین جداره‌های تاریخی بالا و پایین خیابان در انطباق با مبانی نظری پژوهش مورد بررسی قرار گرفت و از نظر رنگ، مصالح، نوع تزیین و مکان کاربرد طبقه‌بندی شدند سپس نقش این جداره‌ها بر مبنای شاخص‌های فرهنگ اسلامی اعم از اعتقادی، زندگی اجتماعی، ارزش‌های بومی در تحکیم هویت ایرانی-اسلامی مورد مذاقه قرار گرفت. از ارزیابی مطالعات حاصله نتیجه می‌شود که تزیینات جداره‌های مذکور که تماماً دو طبقه و با خط آسمانی نسبتاً صاف هستند، از تزیینات هندسی کاشیکاری معرق و معقلی به همراه آجرکاری به‌طور عمده در بخش بالایی استفاده شده است و این تزیینات ایرانی-اسلامی نقش قابل توجهی در احیای ابعاد مختلف ارزش‌های فرهنگ اسلامی در جداره‌ها و منظر شهری دارند.

واژگان کلیدی: تزیینات، هویت ایرانی-اسلامی، نماهای شهری، منظر شهری، بالا و پایین خیابان.

۱. مقدمه

عین حال به ایجاد نظام هماهنگ منظر شهری کمک شایانی کرده و نقش مهمی را در هویت‌بخشی به شهر ایفا می‌کنند. این پژوهش بر آن است تا با تبیین مفهوم هویت، هویت منظر شهری به نقش‌نماهای جداره‌های شهری در ایجاد این هویت پرداخته و جایگاه تزیینات دوره اسلامی ایران را در تحکیم این هویت مورد مذاقه قرار دهد. در این راستا با بررسی جداره‌های تاریخی بالا و پایین خیابان مشهد با تأکید بر تزیینات، میزان نقش آن‌ها را در حفظ و ابقاء هویت ایرانی-اسلامی را بررسی می‌کند.

۲. روش تحقیق

روش تحقیق این پژوهش مبتنی بر روش توصیفی-تحلیلی و مطالعات اسنادی و مرور متون، منابع و تجارب و تحلیل آن‌هاست. در گام نخست جهت دستیابی به مبانی نظری تحقیق و با بررسی و تحلیل اطلاعات، اسناد و منابع چاپی و تصویری و اینترنتی، مفاهیمی چون منظر شهری، هویت و زیبایی‌شناسی، از منظر اسلام و فرهنگ اسلامی مورد بررسی شده و نقش تزیینات در هویت منظر شهری مورد مذاقه قرار گرفت. سپس در فرآیند تحقیق به روش تطبیقی-مقایسه‌ای، با حضور نویسندگان در بالا و پایین خیابان و مطالعات میدانی، به توصیف و تفسیر و ارائه مصداق‌ها از جداره‌های شهری تاریخی و بررسی آن‌ها در نمونه مورد نظر یعنی راسته بالا و پایین خیابان مشهد پرداخته شد و تزیینات جداره‌های مذکور از منظر زیبایی‌شناسی و هویت و فرهنگ اسلامی با توجه به شاخص‌های تحقق ابعاد این فرهنگ در کالبد نماهای شهری بررسی شد.

۳. پیشینه موضوع

در خصوص موضوع هویت بخشی تزیینات اسلامی در جداره‌های شهری مطالعات جامع و مستقیمی انجام نگرفته ولیکن در باب تزیینات و تکنیک‌ها و روش‌های اجرا و تاریخچه هر یک از تکنیک‌های تزیین، تحقیقات بسیاری صورت گرفته است که در این بین برخی به مفاهیم تزییناتی مانند: اسلیمی، ختایی و نیز تزیینات هندسی نیز پرداخته‌اند. محمد یوسف کیانی در مقدمه کتاب خود تحت عنوان «تزیینات وابسته به معماری دوران اسلامی»، به موضوع تداوم بهره‌گیری از روش‌های رایج تزیین بناهای معماری ایران باستان در معماری ابنیه دوران اسلامی اشاره کرده است (Kiani, 1997)، همچنین مهدی مکی‌نژاد در کتاب «تاریخ هنر ایران در دوره اسلامی: تزیینات معماری» تمامی مطالعات بر روی نوع تزیینات در یک دوره تاریخی و یا یک نوع تزیین خاص انجام شده و یا در مواردی یک بنای شاخص را از این منظر مورد بررسی قرار داده است (Makinejad, 2010). در این بین مرتضی گودرزی در کتاب خود با نام «آینه خیال» به بررسی تزیینات پنج بنای تاریخی قاجاری در تهران پرداخته و ویژگی‌های تزیینات دوره قاجار را شرح داده است (Goudarzi, 2010).

این‌که گفته می‌شود مسأله هویت، به این معنی است که در قرن بیستم شهر و فضاهاى شهری در سیر تحول فرآیند رشد و شکل‌گیری خود و به تبع تحولات و جریان‌های ناشی از جهانی شدن امور، دستخوش تغییرات و دگرگونی‌های شگفتی شد در این روند رابطه گذشته و حال فضاهاى شهری از هم گسسته شد و در ارتباط معنی دار بین انسان و محیط سکونتش فاصله و شکاف ایجاد شد (Daneshpour, 2005, p.54). در این بین آنچه که امروزه از دغدغه‌های اساسی در ابعاد مختلف فرهنگی که دامنه آن به‌طور طبیعی به تجلی کالبدی این فرهنگ مانند: هنر، معماری و منظر شهری است نیز می‌رسد، بحث بحران هویت است، چرا که در دوره معاصر در اثر مواجهه تمدن و فرهنگ اسلامی بالاخص در ایران از جمله با فرهنگ جدید جهانی، همواره این سؤال مطرح است که مشخصه‌های ارزشمند و اصیل فرهنگ ایران-اسلامی کدام است و ایرانی کیست؟ بدین سبب است که امروزه خودآگاهی و ارزیابی هویت فرهنگی‌مان بیش از هر زمان دیگری ضرورت یافته است. فرهنگ و هویت ایرانی-اسلامی بیانگر خصوصیات فرهنگی و مشخصات این سرزمین است. موضوعی که باید در تمام شئون زندگی، به‌خصوص عرصه معماری و شهرسازی نیز متجلی شود. (Mahdavi, Bemanian, & Khaksar, 2010, p. 114). هر چند که بحث هویت قدمت بسیار به اندازه عمر زندگی انسان دارد ولیکن مطالعه در باب هویت منظر شهری از قدمت چندانی برخوردار نیست. از آنجا که مفهوم هویت، اتصال تاریخی به گذشته را هم شامل می‌شود و ادراک انسان از شهر توسط کالبد و اساساً محیط مادی صورت می‌گیرد، بنابراین شکل شهر نیز می‌بایست گذشته را در برگیرد. چنانچه در محیط و کالبد شهر هیچ نماد و نشانه‌ای از گذشته وجود نداشته باشد، هویت شهر هم کمرنگ می‌شود (Atashinbar, 2009, p.51).

در شهرهای ایران دوره اسلامی تزیینات شهری از جمله عناصر بسیار اثرگذار در منظر شهری محسوب می‌شدند که نمونه‌های بسیاری را در دوره‌های تاریخی مختلف ایران و در شهرهای گوناگون مانند: اصفهان، تبریز، مشهد، یزد و غیره می‌توان مشاهده نمود. تزیین در معماری و هنر اسلامی نقش ویژه‌ای به خود اختصاص داده است (Ansa-ri, 2002, p.59). جداره‌های شهری در دوره اسلامی با حفظ ارتفاع یکسان و نیز گاهی خط آسمانی که با بنای شاخصی همانند مسجد به اوج می‌رسد، وحدت خود را در تمام ابعاد حفظ کرده و منظر منسجمی را به مخاطب عرضه می‌دارد. این درحالی است که بناها در عین تنوع در کاربری و نمای شهری، کاملاً در ایجاد منظر شهری یکپارچه و متحد عمل می‌کردند. در این بین تزیینات دوره اسلامی در ایران در حفظ این وحدت بسیار اثرگذار است، چرا که با تنوع خود در طرح، رنگ و مصالح، علاوه بر ایجاد منظری متنوع و شخصیت بخشیدن به تک تک بناها، در

انواع و مراتب هویت، عوامل و عناصر متنوعی را می‌توان به‌عنوان نشانه‌های هویتی یک شهر یا عنصر معماری نام برد: مؤلفه‌های هویتی شهر در دو گروه اصلی «شکل» و «محتوا» قابل طبقه‌بندی هستند، که البته نامگذاری‌های دیگری از جمله: ظاهر و باطن، پیدا و پنهان، کالبدی و معنایی، عینی و ذهنی را می‌توان برای این دو گروه برگزید در گروه اول بارزه‌های شکلی می‌توان از نشانه، اندازه، تعداد، جمعیت، تمیزی، آلودگی، عملکرد، شلوغی و مانند آن نام برد. در گروه دوم بارزه‌های محتوایی موضوعاتی چون نمادها، معنی، تاریخ، فرهنگ مردم، عملکرد، رفتار، زیبایی، پاکی و غیره قابل ذکر هستند (Naghizadeh, 2007, pp. 351-361).

۴-۱- نمای جداره‌های شهری

شهر حاضر، فضایی است که انسان، ادراکات خود را از جهان در محیط آن تجربه می‌کند. بدین ترتیب شهر به مثابه عنصری جدید، برای نسل‌های بعد، بخشی از محیط به شمار می‌رود که در ساخت ذهن آن‌ها، نقش‌آفرینی می‌کند (Mansouri, 2007, pp. 50-49). از نگاه شولتر، احساس فضا و درک محیط با خاطرات عجین شده است، وی بخشی از معانی مکان را در تجربه‌ها و حالات روحی انسان جستجو می‌نماید. برای او مکان، همان فضای زنده است. زنده بودن هم به معنای خاص و هم به معنای عام (Norberg - Shulz, 2003, p. 73). در بین فضاهای شهری خیابان‌ها مهم‌ترین، حساس‌ترین و بیشترین فضاهای یک شهر را تشکیل می‌دهند (Bahreini, 2008, pp. 6-5) و به گفته جان لنگ کیفیتی که از شهر برداشت می‌شود، بیش از هر چیزی بستگی به کیفیت خیابان‌های آن دارد (Lang, 2007, p. 130). یکی از مهم‌ترین اجزاء و عناصر کالبدی شهری که با شهروند و تقویت حس مکان در فضای شهری مؤثر واقع می‌شود، ترکیب نمای ساختمان‌ها و به عبارت دیگر «نمای شهری» است. به بیان دیگر شهر زمینه بصری مشترکی است که همه شهروندان هر روز به ناگزیر در معرض آن قرار می‌گیرند و بایستی از آن استفاده کنند (Tashakkori, 2013, p. 3). در این بین نما فصل مشترک بین جداره‌های ساختمان با فضای عمومی که صرفاً سطح نیست بلکه متناسب با فرم ساختمان می‌تواند عناصر حجمی کم و بیش برجسته‌ای را شامل شود (Afshar Na-deri, 2008, p. 53). نما به‌عنوان عنصر مستقل معماری زمانی مطرح شد که تأکید بر جهت خاص و حرکت در بنا از طریق تغییر تناسبات و روابط فضایی اهمیت یافت (Deilmann, Bickenabach, & Pfeiffer, 1987, p. 23). در مطالعه جداره‌های شهری می‌توان آن‌ها را در چند جنبه مورد بررسی قرار داد: الف) از نظر اجزاء جداره و سازماندهی این اجزاء در رابطه با اهداف کلی و ادراک محیطی (ب) از نظر همخوانی جداره با نیازهای، فعالیت‌ها و رفتارهای شهروندان و ج) از نظر قانونمندی‌های مربوط به

همچنین طرح‌های پژوهشی وجود دارند که به تدوین اطلاعات، برداشت جداره‌ها و بررسی آن‌ها پرداخته‌اند. از میان آن‌ها می‌توان به طرح پژوهشی «بدنه‌سازی محور تاریخی- فرهنگی خیابان تربیت» که در مرکز تحقیقات و پژوهش دانشگاه هنر اسلامی تبریز توسط دکتر زمانی و همکارانش به انجام رسیده (Zamani, Aghajani Refah, Khameneh zadeh, & Abbasgholizadeh, 2008) و نیز طرح پژوهشی با نام «بررسی پوسته‌ها و جداره‌های تاریخی شهر مشهد از منظر تزیینات، مصالح و تکنیک‌های ساخت آن‌ها» (Afifi & Talaei, 2014) که در آن به بررسی تزیینات، مصالح و تکنیک‌های ساخت بالا و پایین خیابان مشهد پرداخته شده است، اشاره کرد.

۴. تبیین مفهوم هویت و هویت منظر شهری

در فرهنگ فارسی عمید علاوه بر آن که معنای لغوی هویت را آنچه از نام، نام خانوادگی، نام پدر و ویژگی‌های دیگر که شخص بدان‌ها شناخته می‌شود، می‌داند آن را حقیقت شیء یا شخص که مشتمل بر صفات جوهری او باشد؛ شخصیت؛ ذات و نیز هستی؛ وجود نیز تعریف می‌کند (Amid, 1985; 1984). «در لغتنامه دهخدا نیز در بیان ریشه و اصل کلمه هویت، لفظ «هو» آورده شده است. هویت گاه بر وجود خارجی و گاه بر ماهیت با تشخص اطلاق می‌شود که عبارتست از حقیقت جزئی» (Dehk- hoda, 1958, p. 23596). در ادبیات عرفانی ایران، هویت در جامع‌ترین معنا به ذات مطلق گفته می‌شود و از این رو گاه به معنای هستی و وجود آمده است (Rahimzadeh, 2000, p. 263).

برای شهر و محیط زندگی انسان نیز، همانند هر اثر انسانی دیگر، می‌توان هویتی قائل شد، که این هویت ضمن آن که منبعث از تفکر و هویت انسانی است، مقوم آن نیز می‌باشد. هویت تاریخی، هویت فرهنگی، هویت عملکردی، هویت کالبدی، هویت طبیعی، هویت دینی، هویت انسانی (Naghizadeh, 2007, pp. 350-362). الکساندر درباره هویتی که در بناهای تاریخی وجود دارد می‌گوید «هویت در این بناها نه ناشی از تاریخی بودن و نه ابتدایی بودن روند احداث آن‌هاست» (Alexander, 2002, p. 457). برخی شهرسازان مانند کالن، در تعریف هویت محیط بیشتر بر سبک‌های طراحی کالبدی، جزئیات، خصوصیات، برجستگی‌ها و شیوه‌هایی که فضاها و بناها در غالب آن‌ها شکل می‌گیرند، تأکید دارند. این دیدگاه را در واقع می‌توان دیدگاهی کلاسیک و ذهنی- عقلانی در طراحی شهری دانست. لینچ در کتاب شکل خوب شهر، هویت را به معنای بسیار ساده: معنی مکان تعریف می‌کند: هویت یعنی حدی که شخص می‌تواند یک مکان را به‌عنوان مکانی متمایز از سایر مکان‌ها مورد شناسایی قرار دهد، به گونه‌ای که شخصیتی مشخص و منحصر به فرد داشته باشد (Lynch, 2002). با توجه به جمیع جهات مربوط به

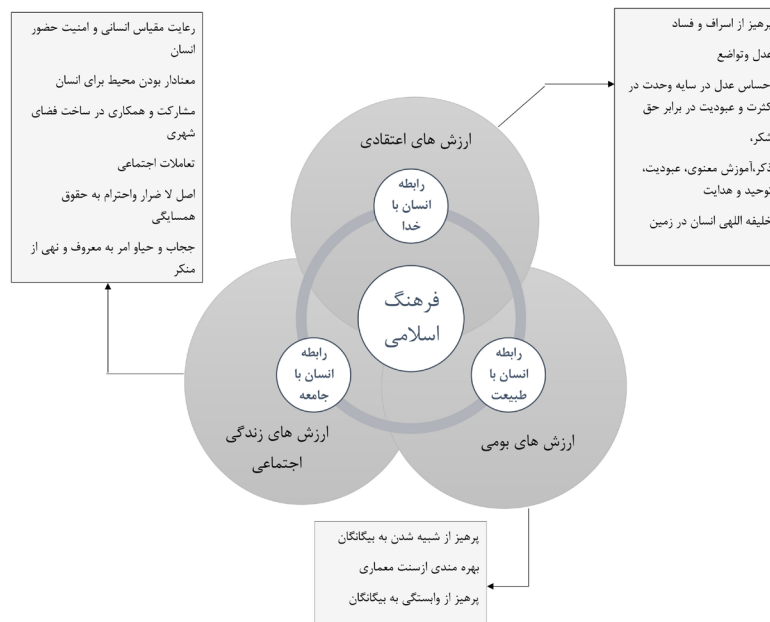
ارزش‌هایی که اولاً ریشه در باورها و اعتقادات آسمانی و معنوی ایرانیان داشته و ثانياً بدون انقطاع تاریخی در اثر ممارست و حقیقت‌جویی و نوگرایی ایرانیان، در تماس با سایر تمدن‌ها بر پایه جهان بینی اسلامی- ایرانی، و در بستر فرهنگ و با پویایی و تصفیه و تکامل دائمی، هدایتگر و راهنمای پدیدآورندگان آثار برجسته معماری و شهری بوده، و ثالثاً می‌توان به‌عنوان اصولی ثابت از آن‌ها یاد کرد (Naghizadeh, 2000, p. 80). نقی زاده و همکاران (Naghizadeh, Zamani, & Eslam, 2010). طی تحقیقی بر مبنای شاخصه‌های فرهنگ اسلامی که از جهان بینی و هستی‌شناسی اسلامی برآمده است چارچوبی را به منظور تأثیر این اصول فرهنگی بر نماهای شهری تدوین کرده‌اند. شاخصه‌های فرهنگ اسلامی که بر مبنای ارتباط انسان به خدا، جامعه، تاریخ و طبیعت شکل می‌گیرد در سه ارزش‌های اعتقادی، ارزش‌های اجتماعی و ارزش‌های بومی طبقه‌بندی می‌شوند (شکل ۱).

ساخت و نگهداری جداره شهری در رابطه با اهداف حفظ مداوم فرهنگی و انواع بهره‌برداری (Tabatabaei, 2011).

۴-۲- تبیین مفهوم هویت ایرانی- اسلامی و جداره‌های شهری

هویت ایرانی- اسلامی موضوعی که باید در تمام شئون زندگی و در عرصه‌های معماری و شهرسازی نیز ظهور یابد. بی‌شک، اسلام، میراثی که از پیامبر گرامی به جای ماند، یکی از عناصر اصلی و سازنده هویت امروز ماست؛ به گونه‌ای که وقتی از فرهنگ ایرانی- اسلامی سخن به میان می‌آید، منظور آن نظام فرهنگی است که عناصر دیگر را نیز در خود می‌گنجاند، زیرا ملاک خودی بودن در این فرهنگ، انطباق‌پذیری آن با ارزش‌های توحیدی یا دست کم عدم میانیت با آن است (Moftakhari, 2014). مراد از مبنای معماری سنتی ایرانی، عبارت است از اصول و

شکل ۱: شاخصه‌های فرهنگ اسلامی



(Retrieved from Naghizadeh, Zamani, & Eslam, 2010)

نمای جداره‌های شهری از اولیه‌ترین لایه‌های برخورد مردم با شهر و از اصلی‌ترین اجزاء شهر در انتقال مفاهیم فرهنگی و خوانش هویت شهر می‌باشند. در پس نماهای شهری تک تک ساختمان‌ها در مقیاس معماری نیز بیانگر اهداف فرهنگی جامعه خویش‌اند. از میان مفاهیم اسلامی سه مفهوم بنیادین سیر از کثرت به وحدت (شعار مهم توحید و خداپرستی، سیر از ظاهر به باطن شعار مهم معاد در اسلام، سیر به اهداف متعالی زندگی، در برگیرنده دو بعد توحید و معاد، به‌عنوان پایه‌ای در نظر گرفته می‌شوند که هنر و معماری با راه‌های گوناگون به بیان کالبدی آن مفاهیم می‌پردازند (Noghrehkar, 2015, pp. 331-).

۴-۳- تزیینات معماری ایرانی در دوره اسلامی و هویت جداره‌های شهری

سید حسین نصر در کتاب هنر و معنویت درباره زیبایی و ارتباط آن با صورت اثر هنری چنین نوشته است: «وظیفه

کل نامحدود است که چون به تساوی تقسیم شود به چند ضلعی‌های منتظمی بدل می‌شود. آن چند ضلعی‌ها هم ممکن است خود به چند ضلعی‌های ستاره‌گون تبدیل و پیوسته در تناسبات کاملاً هماهنگی گسترده شوند (Necipoglu, & Al-Asad, 1995). کتیبه‌هایی خطی و در مجموع تزیینات خطی نیز جایگاه ویژه‌ای در انتقال فرهنگ اسلامی دارند. با آغاز عصر اسلامی در ایران، خط عربی جایگزین خطوط نوشتاری قبل شد و به‌عنوان عامل ثبت کلام مقدس الهی از احترام، توجه و قداست فراوانی برخوردار شد (Makinejad, 2010). در این بین کاربرد تزیینات در جداره‌های شهری باید به گونه‌ای باشد که حضور تزیینات باعث وحدت و هماهنگی و تعمیق اشاعه فرهنگ و هویت جامعه شود و بالعکس عدم رعایت نحوه مناسب و اصول به‌کارگیری تزیینات در نماهای یک جداره شهری اغتشاش بصری در منظر شهری، و از دست رفتن وحدت و هویت فضای شهری را سبب می‌شود. لذا تزیینات باید با هم هماهنگ باشند و تزیینات یک جداره در حدی نباشد که باعث اغتشاش بصری در جداره شود (Tabata-baei, 2011, p. 32). از سویی دیگر از آنجایی که درک مناظر شهری بیشترین وابستگی را به حس بینایی از میان حواس پنجگانه داراست. بدین ترتیب بخش اعظم ادراک منظر شهری توسط این حس صورت می‌گیرد (Parvizi, Ansari, & Salehi, 2012). لذا تزیینات جداره‌های شهری که ترکیبی از طرح و رنگ‌های متنوع هستند می‌توانند تأثیر به‌سزایی بر ادراک شهروندان از شهر داشته باشند. بر مبنای اصول اعتقادی در فرهنگ اسلامی (جدول ۲) نقی زاده و همکاران (Naghizadeh, Zamani, & Eslam, 2010). اصولی را برای طراحی نمای ساختمان‌ها تدوین کرده‌اند که می‌توان نقش تزیینات نما را در ارتباط با آن‌ها تحلیل کرد؛ پرهیز از اسراف و فساد: الف. در کاربرد تزیینات ایران در دوره اسلامی بر مبنای اصل پرهیز از بیهودگی صرف مبحث زیبایی‌شناسی صرف در تزیینات مورد نظر نبوده بلکه ابعادی مانند ایجاد استحکام و مقاومت در برابر شرایط جوی نیز بعضاً لحاظ می‌شده‌اند. همچنین کاربرد تزیینات در معماری ایران در دوره اسلامی به‌طور عمده بر مبنای مصالح بومی انجام می‌گرفته زیرا خود بسندگی از ارکان اصلی معماری مذکور است و بدین‌سان آجرکاری‌ها، کاشی‌کاری‌ها و سایر تزیینات یا مصالح متفاوت از بستر بومی خود نشأت می‌گرفته‌اند. ب. عدل و تواضع: در تزیینات ایران در دوره اسلامی بالاخص در جداره‌های شهری علی‌رغم ایجاد تنوع و گوناگونی، همسانی قابل توجهی در نماهای ساختمان دیده می‌شود که بیانگر احترام به بافت کلی شهر و همسایگی‌ها و نیز عدم خودنمایی در میان سایر بناها می‌باشد. ج. احساس عدل در سایه وحدت در کثرت و عبودیت در برابر حق: تزیینات اسلامی با وجود تنوع در طرح‌ها و رنگ‌ها در عین حال به دلیل این‌که غالباً در نماها و جداره‌های شهری صورت تزیینات هندسی و یا اسلیمی و

هنرمند ترجمه اصول اسلام به زبان زیبایی‌شناسی است؛ انتقال دادن آن‌ها به قالب صورت‌ها و مضامین باید در ساختارها تجسم بیابند و در تزیین همه اشیاء از محراب‌ها و قصرها گرفته تا حقیرترین ابزارهای خانگی مورد استفاده واقع شوند» (Nasr, 1996). مطهری ابعاد زیبایی را به سه شیوه زیبایی محسوس، زیبایی غیرمحسوس و زیبایی معقول تقسیم‌بندی کرد (Motahhari, 1993). گرایش به تزیین یکی از نیازهای فطری انسان که لازمه زندگی اجتماعی اوست- به وسیله خداوند در نهاد او قرار داده شده است (Ansari, 2002, p.66). همچنان که در قرآن در آیات ۳۱ و ۳۲ سوره اعراف آمده است یا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ (ای فرزندان آدم! زینت خود را در هر نماز و مسجدی برگیرید و بخورید و بیاشامید، ولی زیاده‌روی نکنید که او اسراف کاران را دوست نمی‌دارد) (۳۱ اعراف) و نیز در آیه ۳۲ همان سوره ذکر شده است؛ قُلْ مَنِ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ (ای پیامبر! بگو زیورهایی را که خدا برای بندگانش پدید آورده و نیز روزی‌های پاکیزه را چه کسی حرام گردانید؟ بگو: این نعمت‌ها در زندگی دنیا برای کسانی است که ایمان آورده‌اند و روز قیامت نیز خاص آنان می‌باشد. این‌گونه آیات خود را برای اهل علم به روشنی بیان می‌کنیم (Pourseif, 2013, p. 407). هیلن برند در کتاب خود با نام معماری اسلامی بیان می‌کند که بناهای اسلامی با استفاده از ریاضیات حس سلسله‌مراتب، میل به نمادگرایی، عشق مفرط به تزیینات که فراتر از جلوه بخشیدن صرف است و همچنین رنگ، متضمن ابعاد زیبایی‌شناسی شده‌اند (Hillenbrand, 2001). از آنجایی که تزیینات جزء لاینفک معماری اسلامی است، بحث درباره معماری اسلامی و بدون پرداختن به تزیینات آن ناقص می‌باشد، زیرا بخش عمده‌ای از معماری اسلامی به تزیینات اختصاص یافته و عملکرد وسیع و ارزشمندی در راستای اهداف معماری اسلامی و حتی شکل‌گیری و دوام و بقای آن دارد (Makinejad, 2002, p. 68). با شروع دوران تاریخی و رشد تمدن‌های بشری، مسئله تزیین بیشتر مورد توجه قرار گرفت و به دنبال آن، همبستگی تزیینات با معماری نیز گسترش یافت (Makinejad, 2010; Bema, nian, Momeni, & Soltanzadeh, 2012) در میان نقوش اسلامی بر اهمیت هندسه چون استعاره‌ای برای وحدت الهی تأکید شده است. مثلاً نصر در کتابش به نام «علم در اسلام» مدعی شد که «عشق مسلمان به ریاضیات خاصه هندسه و عدد مستقیماً به لب پیام اسلام مربوط است که همانا عقیده توحید است». بورکهارت در پیشگفتار کتاب نقش‌های هندسی در هنر اسلامی نوشته السعید و پارمان هندسه مقدس هنر اسلامی را به مفهوم توحید مرتبط دانسته است: اساس این هندسه دایره است که تصویر یک

و می‌توانند کاملاً حافظ ارزش‌های بومی خود بوده و از شباهت و وابستگی به دیگران بری باشند.

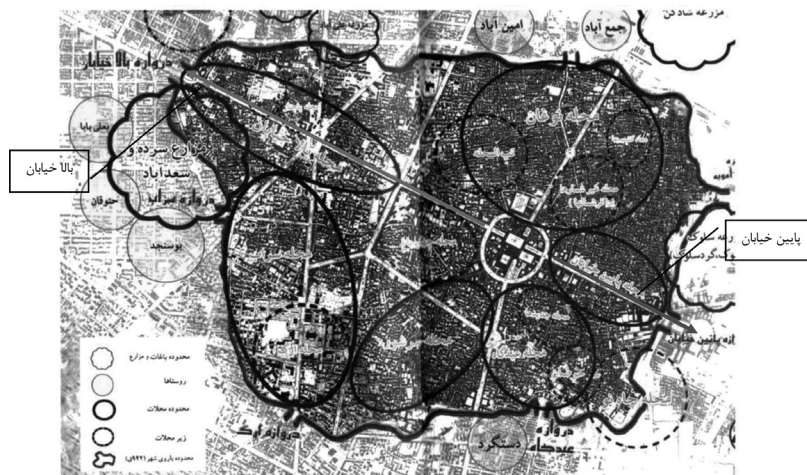
۵. راسته بالا و پایین خیابان مشهد

تا اوایل سال‌های دهه ۱۳۳۰ ه.ش مشهد فقط دارای یک خیابان به صورت چهار باغ از غرب به شرق بود که به فرمان شاه عباس بزرگ هم زمان با صحن عتیق صفوی به صورت چهار باغی با چهار ردیف از درختان و نهر آبی در وسط احداث شده بود. در سال ۱۰۱۶ قمری دستور ساخت آن صادر شد و تا سال ۱۰۲۳ قمری احداث آن به طول انجامید. ضلع غربی آن بالا خیابان و یا خیابان علیا نامیده می‌شد و ضلع شرقی آن از بست پایین خیابان به سمت شرق تا محل پنج راه فعلی امتداد داشت و پایین خیابان یا خیابان سفلا نامیده می‌شد (شکل ۲). از شهر مشهد چندین نقشه تهیه شده که اولین آن توسط «خانیکف» در سال ۱۲۷۴ قمری بوده است (Khanykov, 2016). دومین نقشه در سال ۱۲۹۳ قمری توسط «مک گر گور» تهیه شده است (Mac-Gregor, 1999). احداث خیابان مشهد پس از خیابان‌های هرات و قزوین، سومین تجربه خیابان‌سازی در ایران بود. جهت این خیابان شمال غربی به جنوب شرقی بود و دروازه پایین خیابان و بالا خیابان هم در دو طرف آن احداث شد (Mahvan, 2004, p. 461; Rezvani, 2005, p. 227). حقیقت بین و همکارانش در ارتباط با طراحی خیابان چهار باغ مشهد (بالا و پایین خیابان) چنین می‌نویسند که طراحی این خیابان با خیابان چهار باغ اصفهان از یک اصول واحدی برای ایجاد فضای عمومی چند منظوره شهری با فرم خیابان پیروی می‌کند. همچنین آن‌ها بیان می‌دارند که این اصول واحد متناسب با شرایط مکان و عناصر موجود در سایت بوده، از این رو صور نمودی متفاوت داشته است (Haghighat bin, Ansari, & Pourjafar, 2009, p. 50).

ختایی به کار می‌رفته است وحدت و هماهنگی بسیاری را به جداره شهری بخشیده و میان بناهای گوناگون و بالطبع نماهای مختلف وحدت و هماهنگی ایجاد می‌نمایند. ذکر، آموزش معنوی، عبودیت، توحید و هدایت: تزیینات اسلامی به خصوص کتیبه‌ها و خط نوشته‌ها بدین دلیلی که حاوی مضامین روحانی قرآن کریم‌اند به بهترین نحو می‌توانند در تربیت معنوی انسان اثرگذار باشند. ر. خلیفه الهی انسان در زمین: تزیینات اسلامی علاوه بر انتقال مفاهیم قرآنی به انسان و تربیت او، از منظر شکلی و کالبدی به وحدت خود، رنگ‌های متنوع نمود بارز تجلی روح الهی در کالبد بنا می‌باشند. ز. شکر: پرهیز از اسراف و استفاده از مصالح با توجه به توان و قدرت فیزیکی آن‌ها می‌باشد.

در ارتباط با زندگی اجتماعی می‌توان رعایت مقیاس انسانی را در بهره‌گیری از تزیینات مشاهده نمود. به‌عنوان مثال تزییناتی که در گنبد مساجد غالباً به کار گرفته می‌شدند کمتر به جزئیات پرداخته و این در حالی است که تزیینات در جداره‌ها و سطوحی که در فاصله نزدیک به مخاطب قرار دارند دارای جزئیات بیشتری هستند. حفظ حقوق فردی و جمعی از دیگر مواردی است که در ارتباط با کاربرد تزیینات می‌توان بررسی نمود. تزیینات اسلامی علی‌رغم این‌که از تنوع بسیاری در طرح برخوردار است و طیف وسیعی از نقوش هندسی، اسلیمی و ختایی و نیز کتیبه‌های خطی را در بر می‌گیرد و می‌تواند به هر بنا ویژگی و هویت خاص خویش را ببخشد، در عین میان بناهای مختلف نیز وحدت و هماهنگی به وجود می‌آورد. استفاده از رنگ‌های متناسب و هماهنگ نیز به این مهم یاری می‌سازد. در ابقاء و نگهداشت ارزش‌های بومی، تزیینات اسلامی علی‌رغم پتانسیلی که برای ایجاد تغییراتی که در نهایت خلاقیت در روند طراحی آن‌ها شکل می‌گیرد، دارند حاوی ارزش‌های تاریخی خود نیز هستند

شکل ۲: نقشه مشهد در دوران قاجار
در این نقشه پایین خیابان و بالا خیابان توسط نگارندگان شاخص شده است.



(Rezvani, 2005)

اخطار به عقب‌نشینی با توجه به خیابان ۲۸ متری داد و حاشیه بالا و پایین خیابان را نیز برای یکنواخت شدن دستور بازسازی داد و تمام بساطی‌های روی نهر خیابان را هم برجید و طرفین نهر را دیواره زنی نمود و از برکه و گودال‌ها، نهر زیبایی ساخت (Mahvan, 2014, p. 463). با توجه به این‌که پایین خیابان و بالا خیابان نقش ستون فقرات شهر را داشته است، غالب ساختمان‌های مسکونی و تجاری حاشیه این دو خیابان نیز دارای جداره‌های با ارزشی بوده‌اند، لذا آنچه اکنون نیز به‌عنوان جداره‌های با اهمیت در میراث فرهنگی به ثبت رسیده است از نمای این بناها می‌باشد که در این میان می‌توان به جداره‌های بیرونی ۱۵ بنا اشاره کرد. موقعیت و تصویر هر یک از این بناها در شکل ۳ قابل مشاهده است. با توجه به اطلاعاتی که در سازمان میراث فرهنگی و گردشگری به‌دست آمده است، کلیه این بناها دارای شناسنامه ثبتی می‌باشند که گاهی با نام مالک سابق و یا مالک کنونی و یا براساس آدرس کنونی به ثبت رسیده است.

آرامگاه خنده خاتون، برج استوانه‌ای شکل است که در بخش بالای آن، با گنبد رک مخروطی پوشانیده شده است. بالا و پایین خیابان مشهد که از زمان صفوی تا اوایل پهلوی تنها خیابان اصلی شهر محسوب می‌شود در زمان رضاخان در دوره پهلوی اول توسط ایجاد دو خیابان فلکه شمالی در سال ۱۳۰۸ و فلکه جنوبی در سال ۱۳۰۹ برای تسهیل ارتباط وسایل نقلیه به یکدیگر پیوند می‌خورند و این مساله باعث ایجاد ساختمان‌های دو طبقه زیبایی در محیط این فلکه می‌شود (Seyyedi, 2009). هرچند که این دو خیابان در زمان صفوی احداث شده‌اند اما در دوره‌های بعد بالاخص دوره قاجار و پهلوی اول دستخوش تغییراتی شده‌اند، در اواخر دوره قاجار مالکان ساختمان‌های دو سمت این خیابان و دکان داران به حریم خیابان تجاوز کرده و باعث کم شدن عرض آن شدند. در زمان نیابت تولیت مرحوم اسدی، و به منظور ساماندهی بافت شهری آن زمان مشهد اقدام به اصلاحاتی قبل از خیابان‌کشی‌های جدید نمود او به تمام مالکان متجاوز که در اواخر قاجاریه خیابان را به صورت بی‌قواره و کج و معوج درآورده بودند

شکل ۳: نماهای جداره‌های بالا و پایین خیابان مشهد که به ثبت میراث فرهنگی رسیده‌اند.

پایین خیابان →							
	منزل آستان قدس	منزل جواهری	منزل خیابان نواب صفوی ۱	منزل خیابان نواب صفوی ۲			
بالا خیابان ↓							
	تیمچه مرحوم تابسرا	منزل سعیدی	منزل شهرداری	منزل رحمان زاده			
							
	منزل آجیل چی	منزل داوودی	منزل شیرازی	منزل میرزایی	منزل دهقان	منزل غفاریان	منزل حسینی

(The Authors Based on Afifi, Talaee, 2014; Achieve of Iran's Cultural Heritage Handicrafts & Tourism Organization)

از خانه‌ها به همراه مصالح نما نوع تزیین، رنگ و طرح آن‌ها به تفیک آورده شده است. در شکل ۴ نیز اطلاعات جدول ۱ به اختصار تحلیل شده و از داده‌های آن چنین بر می‌آید که در تمامی بناها بیشترین نقطه‌ای که تزیینات در آن به کاررفته است متن نما و کمترین در سردر بوده است. کتیبه پنجره، رخام و سرستون به ترتیب بعد از متن

۶. بررسی تزیینات جداره‌های بالا و پایین خیابان مشهد

همانطور که ذکر آن رفت پانزده بنا از جداره تاریخی بالا و پایین خیابان ثبت میراث فرهنگی و گردشگری خراسان رضوی شده‌اند. تمام این بناها دو طبقه بوده تزیینات در بخش بالایی آن‌ها به کار رفته‌اند. در جدول ۱ مکان هریک

بعد از آن رنگ‌های آبی فیروزه‌ای و لاجوردی توامان و رنگ‌های قهوه‌ای، خاکستری، صورتی و سفید به ترتیب دارای بیشترین و کمترین فراوانی‌اند.

نما بیشترین فراوانی را دارند. مصالح تمامی نماها آجری بوده و در این بین از تزیینات آجرکاری و به‌طور عمده کاشیکاری در جداره‌های آن استفاده شده است. از میان رنگ‌ها، رنگ زرد در تمامی بناها استفاده شده و

جدول ۱: تزیینات جداره‌های راسته بالا و پایین خیابان مشهد. در این جدول موقعیت قرارگیری بنا در خیابان، طرح تزیین، رنگ، مصالح نما و نیز مکان به کار بردن تزیین در تمامی ۱۵ بنایی که به ثبت میراث فرهنگی و گردشگری رسیده‌اند نشان داده شده است.

نام بنا	موقعیت در جداره خیابان	طرح تزیینات	نوع تزیین	مکان کاربرد تزیین	مصالح	رنگ‌ها
آجیل چی			آجرکاری گلج بوی کاشیکاری کشیه خطی اینه کاری مسیب کاری خجاری	سردر ستون و سر کشیه پنجره رخسار من نما	آجر سنگ زرد قهوه ای مشکی آبی فیروزه ای صورتی آبی لاجوردی خاکستری سفید	
دهقان						
غفاریان						
حسینی						
داوودی						
میرزایی						
شیرازی						
آستان قدس						
جوهری						

جدول ۲: بررسی نقش تزئینات ایرانی- اسلامی در هویت بخشی به جداره های شهری و تحلیل نقش تزئینات جداره های بالا و پایین خیابان بر مبنای شاخص های مذکور.

فرهنگ اسلامی	نقش تزئینات اسلامی در تحقق هویت اسلامی	تزئینات جداره بالا و پایین خیابان مشهد	سطح تأثیر جداره های تاریخی مشهد در تحقق هویت اسلامی
پرهیز از اسراف و فساد	تزئینات معماری ایرانی دوره اسلامی بر مبنای اصل خود بسندگی نه تنها از منظر زیبایی شناسی بلکه با تأمین اهداف عملکردی به کار گرفته می شدند، علاوه بر این مصالح به کار گرفته شده در تزئینات به طور عمده بر مبنای مصالح بومی منطقه بوده و از کاشیکاری، آجرکاری، و در مناطقی که در دسترس بوده از چوببری و سنگ کاری و گچبری استفاده می شده است.	<ul style="list-style-type: none"> • تزئینات این جداره های غالباً کاشیکاری و آجرکاری بوده و از مصالح بومی منطقه به حساب می آیند. • تزئینات این جداره های علاوه بر ابعاد زیبایی شناسی، جداره را از بارش های جوی مصون می دارند. 	کم متوسط زیاد
عدل و تواضع	در جداره های شهری ایران دوره اسلامی تزئینات عمدتاً به بناهای شاخص و از همه مهم تر گنبد مساجد، سر در آن ها، سر در بازارها، مدارس و غیره تعلق می گرفت و بناهای شخصی در این بین جایی برای تفاخر و خودنمایی نداشتند، از سویی به دلیل کاربرد مصالح بومی تزئینات مجالی برای تفاخر بنایی شخصی، بر دیگری محسوب نمی شود.	به علت همسانی در کاربرد تزئینات از نوع هندسی، علاوه بر شاخص های کالبدی نما مانند: خط آسمان صاف و ارتباط تنگاتنگ شکل و زمینه و نیز شکل ساختمان در تمامی بناها، و نیز استفاده از رنگ های همسان در تمامی جداره ها، لذا نمایی نسبت به سایر جداره ها در بافت خیابان خودنمایی نمی کند.	کم متوسط زیاد
وحدت در کثرت اعتقادی	تزئینات ایران دوره اسلامی، بالاخص تزئینات هندسی، اسلیمی و ختایی از منظر شکل گرایانه علی رغم تنوع بسیار، با هماهنگی اجزای خود وحدت بخش جداره های شهری می باشند. از سویی غالب تزئینات هندسی مرکزگرا بوده و در عین گسترش در ابعاد مختلف رو به سوی مرکزی واحد دارند.	<ul style="list-style-type: none"> • در مقیاس جداره: از آنجایی که تمام تزئینات به کار گرفته شده در نمای ساختمان های مذکور هندسی می باشند و از رنگ های نسبتاً یکسانی بهره مند هستند، علی رغم تنوع در طرح های هندسی وحدت و هماهنگی میان تمام آن ها به عنوان یک کل واحد وجود دارد. • در مقیاس تک بنا: در برخی از نماها به دلیل تقسیم بندی های متعدد در عرض جداره، چندین بخش به وجود آمده است که در بناهای کمی تمامی بخش ها از یک نوع رنگ و هندسه استفاده شده است و لذا وحدت لازم گاهاً در یک نمای ساختمان مشاهده نمی شود. 	کم متوسط زیاد
آموزش معنویت و توحید	کتیبه های خطی که از بارزترین جلوه های تزئینات دوره اسلامی ایرانی می باشند، غالباً حاوی مضامین آیات قرآنی و احادیث می باشند و از این منظر نقش قابل توجهی در انتقال پیام وحی به مخاطب دارند. از سویی تزئینات هندسی، ختایی و اسلیمی غالباً مرکزگرا بوده و انسان را متوجه سیر از کثرت به وحدت و تجلی ابعاد توحیدی می نماید.	<ul style="list-style-type: none"> • کاربرد کتیبه هایی در بالای پنجره ها و سر درب ها که متضمن آیات قرآن کریم هستند، انتقال دهنده مضامین کلام وحی می باشند و نقش آموزشی در راستای تقویت معنویت مخاطب دارند. • کاربرد نقوش هندسی که تزئین غالب نماهای جداره می باشد، بیانگر وحدت و نشانه ای از توحید است. 	کم متوسط زیاد

اعتقادی	انسان خلیفه‌الهی	تزیینات اسلامی تجلی خلاقیتی به دست انسان مسلمان است که در قالب و جان ماده از طریق نقوش و معنا ظهور می‌یابد.	• کاربرد تزیینات در جداره راسته این خیابان‌ها نشان‌گر خلق اثری هنری از جانب خالق آن و دمیدن روح او به ماده و نقوش آن است.	کم	متوسط	زیاد
رعایت مقیاس انسانی	رعایت مقیاس انسانی	تزیینات می‌توانند مقیاس بزرگ ساختمان‌ها و سطوح وسیع را شکسته و در منظر شهری آن‌ها را متناسب با مقیاس انسانی جلوه‌گر سازند. آنچه که در تزیینات گنبد مساجد در فاصله دور از چشم انسان در شهرهای اسلامی شکل می‌گرفت، به لحاظ میزان پرداخت به جزئیات با تزییناتی که در ارتفاع کوتاه و به فاصله نزدیک به کار گرفته می‌شد متفاوت بوده و میزان پرداخت به آن در فاصله دور کمتر است و در فاصله نزدیک بیشتر بوده است.	• در جداره‌های مذکور با توجه به این‌که سطح طبقه همکف به‌طور عمده تجاری بوده و دارای بازشوهای وسیع می‌باشند، تزیینات در طبقات بالا به کار رفته اند با این حال از دید ناظر پیاده کاملاً قابل درک می‌باشند.	کم	متوسط	زیاد
حفظ هویت جمعی و حقوق فردی	حفظ هویت جمعی و حقوق فردی	از آنجایی که تزیینات اسلامی از تنوع بسیاری برخوردارند، جداره‌های شهری که بهره‌مند از این تزیینات می‌باشند علاوه بر این‌که هر یک در کاربرد از طرح و رنگ با دیگری تفاوت دارد و می‌تواند هویت فردی خود را کسب نماید با این حال در کلیات هم‌نوا با دیگر جداره‌های بوده و در مجموع هویت جمعی را که وابسته به منظر شهری است احراز می‌نماید.	• هر یک از جداره‌های راسته بالا و پایین خیابان دارای تزیینات هندسی بوده و در مجموع از رنگ‌های نسبتاً همسانی با سایر نماها برخوردار است و از این منظر راسته دو خیابان هویت خود را به‌عنوان یک کل به مخاطب معرفی می‌نمایند.	کم	متوسط	زیاد
زندگی اجتماعی	زندگی اجتماعی		• هر کدام از بناها علی‌رغم وحدت در کل مجموعه بعضاً فاقد هماهنگی در تقسیم‌بندی جداره‌های خود به‌عنوان یک تک بنا است و این مساله باعث کم رنگ شدن هویت آن می‌شود. به نحوی که ممکن است گاهی حتی بخش‌های یک نما از نظر مخاطب متعلق به جداره‌های متعدد درک شود.	کم	متوسط	زیاد
پرهیز از شباهت و وابستگی به دیگران	پرهیز از شباهت و وابستگی به دیگران	تزیینات در بناهای ایران دوره اسلامی، از طرح‌هایی بهره می‌گیرد که انتزاعی از طرح‌های گیاهی بوده، هندسی و یا برگرفته از آیات قرآنی و روایات و متجلی در کتیبه‌های خطی می‌باشد. لذا از این منظر کاملاً شاخص و بی نظیر بوده و کمترین برداشت از طرح‌های بیگانه و وابستگی را به آنان دارد و طبیعتاً کاربرد آن‌ها در جداره‌های شهری کالبد آن را مستقل از وابستگی به طرح‌های غیربومی می‌سازد. در عین حال می‌توان با ایجاد تنوع در طرح‌های بومی هرچه بیشتر بر بعد خلاقه آن‌ها افزود.	• علی‌رغم بهره‌گیری از گره چینی که جزء شاخص‌ترین نوع طرح‌های تزیین اسلامی محسوب می‌شود، و کاربرد کاشی و آجر به‌عنوان مصالح اصلی تزیین که بر گرفته از پتانسیل‌های بومی می‌باشند، گاهی در کاربرد رنگ استفاده از رنگ‌های مشکی، زرد پررنگ، صورتی و قهوه‌ای قابل مشاهده است که ارتباطی با رنگ‌های معماری سنتی ایران دوره اسلامی و کاشی‌کاری‌های آن ندارد.	کم	متوسط	زیاد
			• از سویی استفاده از طرح‌های شیر و خورشید در برخی کتیبه‌ها و سنتوری پنجره‌ها عناصری کاملاً وارداتی است که از دوره قاجار وارد ایران شده است.	کم	متوسط	زیاد

۷. نتیجه گیری

تمایزاتی از قبیل تفاوت در عرض جداره‌ها، وجود دارد که مانعی برای ایجاد هماهنگی کلیت جداره محسوب نمی‌شود. تمامی جداره‌ها با مصالح آجر ساخته شده‌اند و از منظر تزئینات که موضوع این بحث است، تمامی آن‌ها دارای تزئینات هندسی آجرکاری و غالباً کاشیکاری از نوع کاشیکاری معرق و معقلی می‌باشند که این خود نشان از وحدت میان جداره‌های مذکور است. با توجه به جدول ۲ در رابطه با شاخص‌های انطباق تزئینات با تحقق اهداف هویت اسلامی، می‌توان نتیجه گرفته که تزئینات راسته بالا و پایین خیابان، علاوه بر ابعاد زیبایی شناختی، دارای ابعاد عملکردی نیز بوده و در ساخت آن‌ها از پتانسیل‌های بومی و مصالح محلی استفاده است. از سویی هماهنگی میان طرح، مصالح، رنگ و مکان کاربرد تزئینات در جداره‌ها نشان از هماهنگی میان آن‌ها، حفظ هویت جمعی و عدم تفاخر در نماسازی دارد. از سویی دیگر علی‌رغم هماهنگی میان عوامل ذکر شده، طرح تزئین در هر بنا با توجه به جدول ۱، خاص خود نما بوده و احراز کننده هویت فردی و عدم شباهت به دیگران در هر جداره می‌باشد. شاخص دیگری که در ارتباط با تحقق فرهنگ اسلامی مورد بررسی قرار گرفت رعایت مقیاس انسانی در زیر مجموعه ارزش‌های اجتماعی بود، که با توجه به این که تزئینات مذکور در قسمت بالای جداره به کار رفته‌اند، با بعد فاصله عرض خیابان به راحتی برای مخاطب قابل درک بوده و در عین حال از پرداختن به جزئیاتی که برای او قابل درک نیست پرهیز شده است. در مجموع تزئینات اسلامی این جداره‌ها با کاربرد تزئینات هندسی و به خصوص کتیبه‌های خطی که حاوی کلام وحی می‌باشند و به طور کل تزئینات ایران اسلامی، نشان از تجلی روح عبودیت در ماده داشته و نقش به‌سزایی برای انتقال پیام اهداف اسلامی دارند.

امروزه منظر شهری و نقش آن در هویت بخشی به شهر از اهمیت والایی برخوردار است. یکی از عواملی که تأثیر به‌سزایی در انتقال فرهنگ مردم شهر و انسجام منظر شهری و نیز تحکیم وحدت و هویت آن دارد، نماهای شهری است. نماهای شهری در زمان حال در ایران به دلیل عدم وجود ضوابطی که حاکم بر نحوه اجرای آن‌ها باشد و نیز عدم هماهنگی در به‌کارگیری مصالح، خط آسمان و غیره دچار اغتشاش بصری غیر قابل وصفی شده است. در این بین در گذشته جداره‌های شهری و بناهای شاخص شهر مانند: مساجد علاوه بر هماهنگی در بهره‌گیری از مصالح و خط آسمان متناسب از منظر شهری مناسب‌تری نسبت به امروز برخوردار بود. در بسیاری از شهرهای ایران دوره اسلامی تزئینات نقش اساسی در وحدت جداره‌های شهری بازی می‌کردند. از آنجایی که تزئینات اسلامی مانند: کتیبه‌ها در برگزیده مضامین آیه‌های قرآنی و روایات می‌باشند، به بهترین نحو می‌توانند بیانگر روح عمیق فرهنگ اسلامی بوده و پیام هویت بخش آن را به بناها و جداره‌های شهری منتقل کنند. از سویی دیگر تزئیناتی مانند اسلیمی‌ها و تزئینات هندسی در بطن خود بیانگر مفهوم وحدت در کثرت هستند که از مضامین عمیق اسلام در راستای نیل به هدف توحید است.

با توجه به شکل ۴ می‌توان چنین نتیجه‌گیری نمود که در بالا و پایین خیابان شهر مشهد که محک این پژوهش می‌باشد جداره‌هایی وجود دارند که هر چند امروزه تعداد معدودی از آن‌ها باقی مانده است، ولیکن بیانگر هویت جداره‌های شهری ایران- اسلامی می‌باشند. چرا که از منظر شاخص‌های کالبدی هم‌نواختی قابل توجهی بین آن‌ها از منظر خط آسمان، خط زمین، شکل ساختمان و میزان پیش‌آمدگی‌ها، خطوط غالب نما، روزنه‌ها مصالح و از همه مهم‌تر تزئینات آن‌ها به چشم می‌خورد. در این بین

REFERENCES

- Afifi, V., & Talaei, M. (2014). Scrutinizing the Mashhad's Historical Urban Façade in terms of Ornamentation, Material and Techniques. Asrar Institute of higher Education and Cultural Heritage, Handicrafts and Tourism Organization of Khorasan-e Razavi.
- Afshar Naderi, K. (2008). Façade in the Architecture of Iran. *Memar Magazine*, 51, 10-15. <http://www.memarmagazine.com/fa/#magazine>
- Alexander, C. (2002). The Timeless Way of Building. (M. Qayyoomi Bidhendi, Trans.). Tehran: Shahid Beheshti University. Printing & Publishing Center.
- Amid, H. (1985). Farhang-i Farsi 'Amid. Tehran: Amirkabir.
- Ansari, M. (2002). Ornamentation in Iran's Art and Architecture (Islamic era with Emphasis on Mosques). *Modares Honar*, 1(1), 73-59. <https://www.noormags.ir/view/en/magazine/number/19381>
- Archive of Iran's Cultural Heritage Handicrafts and Tourism Organization
- Atashinbar, M. (2009). The Continuity of Identity in Urban Landscape. *Bagh-e Nazar Journal*, 6(12), 45-56. <https://www.sid.ir/en/journal/ViewPaper.aspx?id=193851>
- Bahreini, H. (2008). Urban Space analysis. Tehran: Tehran University Press.
- Bemanian, M.R., Momeni, K., & Soltanzadeh, H. (2012). Comparative Study of Tiling Patterns in Two Isfahan's Mosque- schools: "Madrese Chaharbagh" and "Masjed-Seyyed. *Moatleat Tatbighi Honar*, 1(2), 1-16. <https://www.sid.ir/en/journal/ViewPaper.aspx?ID=297164>
- Daneshpour, S.A. (2005). An Introduction to Meaning and Function of Identity of Man-Building Environment. *Bagh-e Nazar*, 1(1), 59-70. http://www.bagh-sj.com/article_1494.html
- Deilmann, H., Bickenabach, G., & Pfeiffer, H. (1987). Living in Cities. Stuttgart: K. Krämer
- Dehkhoda, A.A. (1958). Dehkhoda Dictionary Encyclopedia -Loghat Nameh Dehkhoda. Tehran: College of Science and Literature, University of Tehran.
- Falamaki, M. (2006). Formation of architecture in Iran and west experiences. Tehran: Faza.
- Goudarzi, M. (2010). Mirror of imagination, Analysis of Architectural decoration of Qajar Period, Research center for Islamic art and culture, Tehran: Soureh- mehr.
- Haghighat bin, M., Ansari, M., & Pourjafar, M.R. (2009). Mashhad khiyaban (Street charbagh) during Safavid dynasty. *Journal of Historical Research*, 1(4), 37-54. http://jhr.ui.ac.ir/article_16500.html
- Hillenbrand, R. (2001). Islamic Architecture: Form, Function, and Meaning. (B. Ayatollah Zadeh Shirazi, Trans.). Tehran: Rozaneh Publication.
- Khanykov, N.V. (2016). Memoire Sur la Partie Me'ridionale de l'Asie Centrale. (A. Yaghmaei & A. Bigonah). Mashhad: Behnashr Company (Astan Quds Razavi Publications).
- Kiani, M.Y. (1997). Decorations Reluted with the Iranian Architecture of the Islamic Period. Tehran: Cultural Heritage Organization press.
- Lang, J.T. (2007). Urban Design: A Typology of Procedures and Products. (S.H. Bahreini, Trans.). Tehran: Tehran University Press.
- Lynch, K. (2002). A Theory of Good City Form. (S.H. Bahreini, Trans.). Tehran: Tehran University Press.
- MacGregor, S.C.M. (1999). Narrative of a Journey through the Province of Khorassan and on the N. W. Frontier of Afghanistan in 1879. New York: Adegri Graphics.
- Mahdavinejad, M., Bemanian, M., & Khaksar, N. (2010). Architecture and Identity-explanation of the Meaning of Identity in Pre-modern, Modern and Post- modern Eras. *Hoviatshahr*, 4(7), 113-122. http://hoviatshahr.srbiau.ac.ir/article_1141.html
- Mahvan, A. (2004). Mashhad Al -Reza history. Mashhad: Mahvan press.
- Mahvan, A. (2014). The History of Ancient Mashhad. Mashhad: Javdan Kherad press.
- Motahhari, M. (1993). Eternity of moral Values. Tehran: Sadra Publication.
- Moftakhari, H. (2014). Iran and Islam: Iranian Identity, Islamic Heritage. *Historical Studies*, 4(2), 93-111. http://historicalstudy.ihcs.ac.ir/article_972.html
- Makinejad, M. (2010). Persian Art History in Islamic Period: Architectural Decorations. Tehran: The Organization for Researching and Composing University Textbooks in the Humanities (SAMT) Press,
- Makinejad, M. (2002). The Role of Ornamentation in Islamic Architecture of Persian tile. *Ketabe Mahe Honar Magazine*, 45(46), 68-71. <http://ensani.ir/fa/article/81275/%D9%86%D9%82%D8%B4>
- Mansouri, A. (2007). Spatial Organization of Iranian City in Tow Periods: Before and after Islam Based on Testimonies of Evaluations of the City of Kerman. *BAGH-E NAZAR*, 4(7), 50-60. http://www.bagh-sj.com/article_67.html
- Nasr, S.H. (1996). Islamic art & Spirituality. (R. Ghasemian, Trans.). Tehran: Hekmat.

- Necipoğlu, G., & Al-Asad, M. (1995). *Geometry and Ornament in Islamic Architecture: Topkapı Palace*. Santa Monica: Getty Center for the History of Art and the Humanities.
- Norberg – Shulz, C. (2003). *Architecture: meaning and place*. (V. Norouz Borazjani, Trans.). Tehran: Jan Jahan publication.
- Naghizadeh, M., Zamani, B., & Eslam, K. (2010). Cultural Consideration in Urban Facade Formation (Emphasize on urban facade formation in Iranian Islamic architecture). *Hoviatshahr*, 4(7), 61-74. http://hoviatshahr.srbiau.ac.ir/article_1135.html
- Naghizadeh, M. (2007). Perception of Beauty & Identity of City (in the Light of Islamic Thought). Isfahan: Cultural Recreational Organization of Isfahan Municipality.
- Naghizadeh, M. (2000). Identity of «Iranian Architecture» and «Modernism». *HONAR-HA-YE-ZIBA*, 7, 79-91. <https://www.sid.ir/en/journal/ViewPaper.aspx?ID=58062>
- Noghrehkar, A.H. (2015). *Verses Architecture; an Interpretation of Islamic Intelligence in Art and Architecture*. Tehran: Fekre No.
- Parvizi, E., Ansari, M., & Salehi, M. (2012). Visual Perception of the Color in Urban Fresco (The Effect of Speed in Perception of the Colorful Stains of the City). *Payam-e Mohandes Magazine*, 56, 18-25. <https://www.magiran.com/paper/1048198>
- Pourseif, A. (2013). *The Concise Interpretation of Quran (AL-Mizan and Nemooneh)*. Tehran: Shahed.
- Rahimzadeh, M.R. (2000). The Concept of Identity. Proceedings of the Second Congress on History of Iranian Architecture and Urbanism – Kerman, Bam. Eds. B. Ayatollah Zadeh Shirazi, 3, 261-273. Tehran: Cultural Heritage, Handicrafts and Tourism Organization of Iran.
- Rezvani, A. (2005). *In Search of Urban Identity Mashad*. Tehran: Ministry of Road and Urban Development.
- Seyyedi, N. (2009). *Mashhad at the Beginning of the 14th Solar Century (Renowned as Maktab Shapoor Report)*. Mashhad: Ahang-e Ghalam publication.
- Tabatabaei, M. (2011). *Urban Facades and their Role in Environmental Quality*. Tehran: Armanshahr, Publishing.
- Tashakkori, A. (2013). The Impact of Urban Facades on Visual Aspects of the City and Citizens (Case Study: Yasuj's Urban Facades in 2012). Paper Presented at National Conference on Sustainable Architecture and Urban Development, Bukan, Iran. <https://www.civilica.com/Papers-SAUD01>
- Zamani, B., Aghajani Refah, M., Khameneh zadeh, H., & Abbasgholizadeh, H. (2008). Organizing the Historical-cultural Axis of Tabriz. Tabriz Municipality (The 8 district) and the Research Center of Building and Urban Context Restoration of Tabriz Islamic Rat University.

نحوه ارجاع به این مقاله

طلایی، مریم؛ انصاری، مجتبی و درج ور، فاطمه. (۱۳۹۸). نقش تزیینات در بازیابی هویت ایرانی- اسلامی در جداره‌های شهری، مورد مطالعاتی: راسته تاریخی بالا و پایین خیابان شهر مشهد. نشریه معماری و شهرسازی آرمان شهر، ۱۲(۲۹)، ۹۹-۱۱۲.

DOI:10.22034/AAUD.2020.102368

URL: http://www.armanshahrjournal.com/article_102368.html